نگاه

اسکار؛ انتخاب یک فیلم یا نمایندگی یک سینما؟

ساسان پسیان، فیلم‌ساز و پژوهشگر: هر کشوری که فیلمی را به اسکار می‌فرستد، در واقع فقط یک فیلم ارسال نمی‌کند؛ برای چند ماه، یک اثر را در جایگاهی قرار می‌دهد که مخاطب و سینمای جهان آن را بخشی از تصویری می‌بیند که آن کشور از سینمای خودش ارائه می‌کند. از این منظر، سؤال درباره انتخاب «سرزمین فرشته‌ها» به عنوان نماینده ایران در نودونهمین دوره اسکار، نباید از اینجا شروع شود که فیلم چقدر شانس قرارگرفتن در فهرست کوتاه یا نامزدی نهایی را دارد. سؤال مهم‌تر به این صورت باید مطرح شود: آیا فیلمی که انتخاب شده، بر اساس معیارهای روشن و حرفه‌ای، مناسب‌ترین گزینه برای نمایندگی سینمای ایران بوده است؟

این دو پرسش یکی نیستند. بر اساس مقررات نودونهمین دوره جوایز اسکار، هر کشور یا منطقه از طریق کمیته مورد تأیید آکادمی می‌تواند یک فیلم را به عنوان انتخاب رسمی خود معرفی کند. در متن مقررات آمده است هر کشور یا منطقه برای ارسال «بهترین فیلم خود» دعوت می‌شود. در همین مقررات تأکید شده است فقط یک فیلم از هر کشور یا منطقه به عنوان انتخاب رسمی پذیرفته می‌شود. پس انتخاب نماینده، یک تشریفات اداری نیست؛ یک انتخاب محدود است؛ انتخاب یک فیلم از میان مجموعه‌ای از فیلم‌های واجد شرایط. از سوی دیگر، در دوره امسال مسیر ورود به بخش فیلم بین‌المللی تغییراتی داده شده است: فیلمی که در یکی از شش جشنواره مشخص، یکی از جوایز تعیین‌شده را به دست بیاورد، می‌تواند از مسیر دیگری نیز وارد فرایند بررسی شود. با این حال، برای کشوری که از مسیر کمیته ملی اقدام می‌کند، همچنان فقط یک فیلم به عنوان انتخاب رسمی پذیرفته می‌شود. بنابراین ارزش تصمیم کمیته را نمی‌توان با این استدلال کاهش داد که «فیلم فقط باید شرایط اسکار را داشته باشد». واجد شرایط بودن، حداقل شرط ورود است، نه دلیل کافی برای انتخاب‌شدن.

معیار انتخاب چیست؟

اگر قرار باشد این انتخاب را حرفه‌ای بررسی کنیم، نخست باید فیلم را از موضوعش جدا کنیم. مسئله «سرزمین فرشته‌ها» فلسطین نیست. یک فیلم ایرانی می‌تواند درباره فلسطین، جنگ، مهاجرت، آفریقا، اروپا یا هر نقطه دیگری از جهان باشد و همچنان بخشی از سینمای ایران محسوب شود. موضوع جغرافیایی داستان، به‌تنهایی نه هویت فیلم را تعیین می‌کند و نه کیفیت آن را. اهمیت یک موضوع نیز به‌خودی‌خود یک فیلم مهم نمی‌سازد. جنگ، کودکان، فقر، مهاجرت، رنج انسانی و بحران‌های سیاسی، مواد خام قدرتمندی برای سینما هستند، اما سینما از جایی آغاز می‌شود که این مواد خام به شخصیت، موقعیت، درام، تصویر، صدا، ریتم و جهان مستقل یک فیلم تبدیل شوند. به همین دلیل، کمیته‌ای که می‌خواهد نماینده یک کشور را انتخاب کند، باید دست‌کم چند سؤال مشخص را درباره هر فیلم مطرح کند: آیا فیلم‌نامه از یک ایده به یک درام کامل رسیده است؟ آیا شخصیت‌ها خواست، انتخاب و کنش دارند؟ آیا تعارض‌ها به‌تدریج ساخته می‌شوند یا صرفا از بیرون بر داستان تحمیل شده‌اند؟ آیا پایان، نتیجه طبیعی مسیر فیلم است یا بیشتر برای برانگیختن احساس طراحی شده است؟ در مرحله بعد باید سراغ خود سینما رفت: کارگردانی، میزانسن، قاب‌بندی، تدوین، بازی‌ها، طراحی صدا و تصویر. آیا این عناصر در خدمت روایت‌اند و زبان مشخصی ساخته‌اند یا فیلم بیشتر از قدرت موضوع خود برای ایجاد تأثیر استفاده می‌کند؟ یک سؤال مهم‌تر: اگر موضوع و بار عاطفی آن را برای لحظه‌ای کنار بگذاریم، خود فیلم چقدر قدرت ایستایی دارد؟ این پرسش نه درباره ارزش موضوع است و نه درباره نیت فیلم‌ساز، بلکه درباره کیفیت سینمایی اثر است.

فیلم خوب یا فیلم مناسب برای نمایندگی؟ ممکن است فیلمی، فیلم خوبی باشد، اما لزوما مناسب‌ترین انتخاب برای نمایندگی سینمای یک کشور نباشد. بنابراین، این دو را نباید با هم یکی گرفت. کمیته انتخاب باید علاوه بر کیفیت مستقل فیلم، قابلیت ارتباط آن با مخاطب بین‌المللی را هم بررسی کند. آیا مخاطبی که شناخت چندانی از ایران ندارد می‌تواند از طریق شخصیت‌ها و تجربه انسانی فیلم وارد جهان آن شود؟ آیا فیلم بدون توضیحات بیرونی می‌تواند ارتباط برقرار کند؟ آیا پس از پایان نمایش، چیزی از جهان، نگاه یا زبان سینمایی آن در ذهن مخاطب باقی می‌ماند؟ این به معنای ساختن فیلمی برای سلیقه مخاطب خارجی نیست. اتفاقا برعکس، بسیاری از آثار موفق سینمای ایران از داستان‌هایی بسیار بومی و مشخص آغاز کرده‌اند، اما از طریق کیفیت روایت و تجربه انسانی خود توانسته‌اند از مرزهای جغرافیایی عبور کنند. بنابراین «ایرانی‌بودن» نباید به معنای استفاده از چند نشانه آشنا برای معرفی ایران باشد. همان‌طورکه «بین‌المللی‌بودن» هم به معنای حذف هویت ایرانی نیست.

مسئله اصلی: مقایسه

شاید مهم‌ترین معیار همین باشد: هیچ فیلمی نباید در خلأ انتخاب شود

کمیته باید همه گزینه‌های واجد شرایط را ببیند و بعد بپرسد: چرا این فیلم؟ نه‌فقط «آیا این فیلم خوب است؟»، بلکه در مقایسه با فیلم‌های دیگر، چه چیزی آن را به گزینه مناسب‌تری برای نمایندگی ایران تبدیل می‌کند؟ این تفاوت میان یک انتخاب سلیقه‌ای و یک انتخاب حرفه‌ای است. جوایز جشنواره‌ای، سابقه کارگردان، استقبال منتقدان، ظرفیت پخش بین‌المللی و حتی موضوع فیلم می‌توانند در تصمیم نهایی مؤثر باشند، اما هیچ‌کدام نباید جای قضاوت درباره خود فیلم را بگیرند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

گفت‌وگو با ابراهیم ایرج‌زاد درباره فراز و فرودهای شبکه نمایش خانگی

شبکه نمایش خانگی به کمیته انضباطی نیاز دارد

بهناز شیربانی: ابراهیم ایرج‌زاد، کارگردان فیلم‌های «تابستان داغ» و «عنکبوت» و سریال «کل‌سنگ»، در گفت‌وگویی درباره فراز و فرودهای شبکه نمایش خانگی، این مدیوم را نه تهدیدی برای سینما، بلکه عاملی برای تداوم چرخه تولید در شرایط دشوار سال‌های اخیر می‌داند. او با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری رقابت سالم، جوایز معتبر و سازوکارهای استاندارد برای ارزیابی آثار، از فاصله نگاه تلویزیون با زیست امروز جامعه، محدودیت‌های تولید و لزوم اعتماد بیشتر به فیلم‌سازان می‌گوید و معتقد است شبکه نمایش خانگی می‌تواند با میدان‌دادن به استعدادهای تازه و بازتاب تنوع جامعه ایران، به آینده سینما نیز کمک کند. با او درباره این موضوع به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

●●●

برخی از همکاران شما تصور می‌کنند پلتفرم‌ها یا شبکه نمایش خانگی باعث ورشکستگی سینما شده است. چرا این احساس وجود دارد که شبکه نمایش خانگی بخشی از مخاطب سینما را جدا کرده است و بسیاری در خانه، مخاطب سریال و فیلم‌ها هستند و سینما ممکن است مثل سابق عملکرد موفقی نداشته باشد. با این نگاه موافقید؟

طبعا با این نگاه موافق نیستم و اتفاقا صددرصد مخالفم. فکر می‌کنم مثالی فوتبالی برای روشن‌شدن این موضوع جالب‌تر باشد. مثلا لیگ برتر برگزار می‌شود، چرا جام حذفی داریم؟ اصلا چرا جام ملت‌های آسیا یا جام جهانی داریم؟ هیچ‌یک از اینها باعث از بین رفتن لذت دیدن فوتبال نمی‌شود. همه آنها در واقع تکه‌های یک مجموعه‌اند که شرایط صنعتی‌تجاری را برای مخاطب فوتبال در دامنه‌های مختلف تعریف می‌کنند و اصطلاحا یک فصل را می‌سازند. به نظر من شبکه نمایش خانگی و پلتفرم‌هایی که فعالیت می‌کنند و خوشبختانه تعداد آنها بیشتر هم می‌شود، حکم باشگاه‌های فوتبال را دارند که با یارگیری‌ها یا سازماندهی‌های خودشان شروع به تولید محتوا می‌کنند و این باعث رقابت می‌شود و رقابت هم که ذاتا باعث پیشرفت است. اما نقد من فقط به این موضوع است که ما چیزی به اسم لیگ نداریم. چیزی به اسم فصل جوایز نداریم. چیزی به اسم رقابت نداریم. یعنی هر پلتفرمی محتوای خودش را تولید می‌کند و یک تیم تبلیغاتی را هم کمپین می‌کند و هیچ محلی از قضاوت متأسفانه به شکل استانداردش آن‌طور که در دنیا رسم است در کشورهای مختلف رسم است، در ایران نداریم و برای آن سازوکاری هم نداریم یا اگر داریم، تداوم ندارد و پرنسیپ و شخصیت ندارد و صاحب یک سازوکار با شخصیت نیست و این نقد من است. وقتی از مراسم‌هایی مانند گرمی، گلدن‌گلوب، اسکار و... صحبت می‌کنیم که حالا بخشی از آن سینمایی است و بخشی دیگر مربوط به تلویزیون یا پلتفرم‌هاست، همه این موارد تأثیر می‌گذارد در کاری که مثلا پلتفرمی مثل آمازون یا نتفلیکس و... انجام می‌دهند. اگر به سؤال شما برگردم، باید بگویم هرچقدر بستر و زمینه تولید چه به بهانه شبکه نمایش خانگی چه به بهانه تولید فیلم سینمایی در کشور ما بیشتر باشد، مایه خوشحالی و خوشبختی است. چون معتقدم ما اگر بتوانیم شرایطی را به وجود بیاریم که کشورهای آسیای میانه، خلیج فارس و کشورهای شرق و غربمان را هم در تولید محتوا دخیل کنیم، ۱۰ برابر این نیروی کار و ۱۰ برابر این چیزی که الان داریم تولید کنیم، باز کم می‌آوریم. به همین دلیل معتقدم شبکه نمایش خانگی به‌هیچ‌وجه تأثیر منفی روی کار سینما نگذاشته. اتفاقا در بزنگاه‌هایی مثل کرونا و... باعث شده اهالی سینما بتوانند با بازتعریف کاری خودشان همچنان از محتوا و شغل خودشان مراقبت کنند.

درحال حاضر می‌توانیم شبکه نمایش خانگی را یک مدیوم مستقل بدانیم؟ به این دلیل که فکر می‌کنم بسیاری تصور می‌کنند ممیزی شبکه نمایش خانگی کمتر از تلویزیون است و تا حدودی این مدیوم برای ساخت سریال راحت‌تر است.

شوربختانه تلویزیون درجا می‌زند و شبکه نمایش خانگی ارتباط نزدیک‌تری با بدنه جامعه، بافت اجتماعی و زیست مردم یا اصطلاحا لایف‌استایل آنها دارد. به همین دلیل از این لحاظ خیلی با هم متفاوت‌اند. اما می‌توانند رقیب‌های خیلی جدی برای هم باشند. یعنی تلویزیون مثل یک لیگ داخلی است و شبکه نمایش خانگی مثل یک لیگ بین‌المللی‌تر. باز این دو می‌توانند روی یکدیگر تأثیرات مثبتی بگذارند و با همدیگر اصطلاحا مراوده و مبادله هم داشته باشند. اما شاید ظرفیتش وجود ندارد، چراکه یک اختلاف نگاه بسیار زیادی بین مدیران تلویزیون و تولیداتی که در شبکه نمایش خانگی انجام می‌شود وجود دارد. مثالش در مورد سریال «گل سنگ» وجود داشت.

اتفاقا می‌خواستم بپرسم وقتی سراغ ساخت «گل سنگ» آمدید، چه اتفاقی افتاد؟ این ممیزی شامل حال شما شد؟

چند مدیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم پیام دادند اگر کمی «گل سنگ» مواردی را رعایت کرده بود، از تلویزیون قابل پخش بود و این خیلی جمله غم‌انگیزی است که منِ ابراهیم ایرج‌زاد با مجموعه پلتفرم شیدا، خانم زینب تقوایی و مهدی بدرلو و همه مجموعه همکارانم از جنگ ۱۲روزه تا بعد از جنگ ۴۰روزه درگیر پروسه تولید بودیم. ذره‌ای دلسردی به خودمان راه ندادیم و سریال در سال ۱۴۰۵ آماده شد که یک رئالیسم اجتماعی بود که مخاطب کاملا باورش کرد و همه آن نکات اخلاقی که یک اثر اساسا باید داشته باشد را داشت. ولی وقتی چنین جملاتی می‌شنوی، می‌فهمی چقدر این قطار تلویزیون سرعت پایینی دارد و حرکتش از مسیری که جامعه در آن جلو می‌رود، جا مانده است. در بحث ممیزی و ارتباطی هم که با ساترا داشتیم، باید بگویم اینجا قصدم این نیست که از ساترا تعریف کنم یا آن را زیر سؤال ببرم. ذات وجود داشتن جایی که بخواهد دغدغه‌ها و یک حساسیت‌هایی را تذکر بدهد، طبیعتا همه‌جا وجود دارد. کسی نمی‌تواند منکر این شود. نسبت به خود من ترس‌های همیشه وجود دارد، چه از سمت سازمان سینمایی و چه از سمت تجربه اولم در شبکه نمایش خانگی.

این ترس از کجا می‌آید؟

نمی‌دانم. زمانی که قصد ساخت «تابستان داغ» را هم داشتم، این ترس وجود داشت که قرار است یک فیلم سیاه اجتماعی ساخته شود. زمانی که می‌خواستم «عنکبوت» را بسازم باز این ترس وجود داشت که از سوژه و مسائل مذهبی که درون ساختار درام بود، برداشت‌ها یا سوءبرداشت‌هایی شود که خوشبختانه هرکدام از این فیلم‌ها وقتی ساخته شد، همان آدم‌ها با صداقت کامل گفتند که نظرشان تغییر کرد. درمورد «گل سنگ» هم این اتفاق افتاد. خوشبختانه در گفت‌وگو همیشه باز بوده. ما رفتیم گفت‌وگو کردیم و یک بخشی از دغدغه‌ها و ترس‌ها را از بین بردیم و بخشی دیگر که من همیشه می‌گویم: «مجبورید اعتماد کنید و باید اعتماد کنید»، چراکه من صاحب یک سابقه‌ای هستم و خوشبختانه نتیجه این صحبت‌ها مثبت بود و «گل سنگ» تولید شد.

یعنی با ساترا ارتباط دوستانه‌ای داشتید؟

دوستانه یا غیردوستانه که نه ولی یک ارتباط کاری و حرفه‌ای وجود داشت. آنها دغدغه‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌هایی داشتند و من هم دغدغه‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌هایی داشتم. برای من مهم این بود که درام آسیب نبیند، مفاهیمی که می‌خواهم در مورد آنها صحبت کنم از بین نرود. آنها هم می‌خواستند از تأثیرش روی مخاطب مراقبت کنند که در این بین تعاملی شکل گرفت که اساسا آسان نیست و مخرج مشترک گرفتن خیلی کار آسانی نیست، چون نمی‌خواهم وقتی همکارام این مصاحبه را می‌بینند، فکر کنند من مقداری شرایط را آسان جلوه می‌دهم، اما اساسا چون خودم آدم اهل گفت‌وگویی هستم و گفت‌وگو هیچ‌وقت خسته‌ام نمی‌کند، معمولا این‌قدر با مجموعه‌ای که ترس و نگرانی دارد ادامه می‌دهم تا آنها را راضی کنم. مثلا سر ساخت فیلم «عنکبوت» جایی آقای نوروزبیگی، تهیه‌کننده، به من گفت به تو پروانه نمی‌دهند و به فیلم‌نامه دیگری فکر کن. چون چندین و چند ماه بود که به ارشاد می‌رفتم و من یقین داشتم بالاخره آنها را راضی می‌کنم این فیلم ساخته شود. به هر حال ۲۰ سال بعد از آن حادثه باید ساخته می‌شد. یعنی من و اکثای براهنی یک روزی با هم گپ زدیم که کاری را با هم راه بندازیم. وقتی به این پرونده رسیدیم، فکر کردیم بالاخره بعد از ۲۰ سال باید جامعه ظرفیتش را داشته باشد که با چنین پرونده‌ای مواجه شود و خیلی از مدیران سینمایی بعد از تولید «عنکبوت» با صداقت و شجاعت تشکر کردند از اینکه این فیلم تولید شد.

چون در مورد «عنکبوت» صحبت می‌کنیم، ما قبل‌تر که راجع به این فیلم با هم حرف می‌زدیم، نکته جالبی به من گفتید که بخشی از ساخت این فیلم مربوط به زیست شما در شهری بوده که زادگاهتان است: مشهد و این اتفاق هم در مشهد افتاده و این شخصیت هم در آن شهر مرتکب این جنایت‌ها شد. چقدر برمی‌گشت به ذهنیتی که شما داشتید و حوادثی که در آن شهر اتفاق افتاد و این دغدغه در ذهن شما بود که حتما باید در مورد این اتفاق صحبت کنید.

من ۱۹ سالم بود و سال ۷۹ این ماجراها اتفاق افتاد. تأثیر خیلی پررنگی در جامعه ایران داشت و دوچندان برای اهالی شهر مشهد و فراموش‌نشدنی بود. این خاطرات با من ماند. همان زمان سینما تحصیل می‌کردم و دوره هنرستان بودم و بعد از گذشت چند سال که من «تابستان داغ» را ساخته بودم، اکثای براهنی «پل خواب» را کار کرده بود و رفاقت ما حالا به‌واسطه ادبیات و سینما و بحث فیلم‌نامه شکل گرفت، سر صحبت باز شد که بالاخره جامعه باید با این مسئله روبه‌رو شود. چون معتقدم سینما می‌تواند این لبه‌های تیز مسائل خشن را که تروماساز برای جامعه است، دراماتیزه کند و شکل و شمایلی به آن بدهد که مخاطب بتواند با آن ارتباط برقرار کند و اصطلاحا از تونلش عبور کند بدون اینکه آسیب ببیند، اما تأثیراتی را هم که باید بگیرد، به مخاطب بدهیم. از فیلم‌های کوتاه تا «تابستان داغ»، «عنکبوت»، «شوهر ستاره» و «گل سنگ» یک سری کانسپت هست مثل خانواده، خانه، زن و فرزند که در واقع در شکل‌های مختلفی جلو می‌آیند و حضور دارند، چون مسئله اصلی ذهن من است و همیشه فکر کردم کوچک‌ترین سلول جامعه، خانواده است. پس مهم‌ترین بخش جامعه، یک خانواده است و پر از قصه و درام و وضعیت‌های پیچیده است به همین خاطر سعی می‌کنم تمرکزم را فعلا اینجا نگه دارم. یعنی حتی در مورد سعید حنایی و فیلم «عنکبوت» هم اساسا از بحث کانسپت خانواده وارد شدم.

از بحث خانواده دور نشویم؛ چون در مورد نمایش خانگی و «گل سنگ» حرف زدیم. این خانواده را به شکل دیگری در «گل سنگ» دیدیم. برای من جالب است بعد از تجربه‌هایی که از سینما داشتید، تصور شما درباره کار در شبکه نمایش خانگی چه بود؟ این ایده چطور شکل گرفت؟

من از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴، دو بار قرار بود دو سریال برای شبکه نمایش خانگی کار کنم که در هر دو مرتبه بعد از طی زمانی برای پیش‌تولید، احساس کردم از خروجی نمی‌توانم مراقبت و دفاع کنم. به همین خاطر استعفا دادم و آن دو کار را ترک کردم و هر دو به اشکال مختلف مسیر تولیدشان را طی کردند. اسم نمی‌آورم چون اساسا تمرکز بحث را جای دیگری می‌برد. این در ذهنم بود که اگر می‌خواهم قدم اول را برای حضور در شبکه نمایش خانگی بردارم، باید قابل دفاع، محکم و حضوری مؤثر باشد. خوشبختانه یک روز دوست خوبم مهدی بدرلو تماس گرفت و من را به دفترشان دعوت کرد. خانم تقوایی، من و مهدی بدرلو در یک جلسه سه‌نفره درباره اینکه باب یک همکاری را برای یک مینی‌سریال برای پلتفرم شیدا باز کنیم، گفت‌وگو کردیم. یک اعتماد و اختیاری هم برای قصه به من داده شد و ما در گفت‌وگوهایی، مسیری را طی کردیم که من طرحی را خوانده بودم از دوست و همکارم خوبم پیام کرمی که با هم «تابستان داغ» را کار کرده بودیم. باز مدل نگاه من و پیام کرمی هم خیلی شبیه هم است. طرحی که به من داد، مربوط به یک تجربه و مسئله واقعی بود که آن را به‌عنوان یک سیناپس کار کرده بود. قرار شد جوهره آن را نگه داریم، اما شروع کنیم به بازسازی ساختمان درام و طراحی مسیر روایت بر اساس همان طرح. وقتی در موردش با خانم تقوایی و مهدی بدرلو صحبت کردیم، آنها هم با من هم‌نظر بودند که آن چیزی را که دنبالش بودیم، پیدا کرده‌ایم و کار شروع شد. اصل نکته این بود که اصطلاحا به مخاطب باجی داده نشود یا برای وایرال‌سازی، حقه یا کلکی سوار نشود یا موج‌سواری روی نکاتی نشود که پالس مثبتی برای مخاطب ندارد، اما هیجان‌ساز است. پس قرار شد به سمت آن هم نرویم. همه این موارد در مجموع خیلی کمک کرد. نفس عمل زمانی که من را دعوت کردند، نفس نیکی بود. خیلی انرژی مثبت و قوی‌ای برای من بود و خوشبختانه در بازخوردی که از مخاطب گرفتیم، این را حس کردیم.

بله مخاطب دوستش داشت. می‌خواهم بدانم چقدر نگاه شما قبل از ساخت «گل سنگ» و بعد از آن به شبکه نمایش خانگی تغییر کرد؟

در شبکه نمایش خانگی تنها با یک موجود طرف نیستید. پلتفرم شیدا برای خودش سازوکار و چشم‌اندازی را تعریف کرده و قدم‌های اولش را برمی‌دارد و در قیاس با پلتفرم‌هایی مثل فیلیمو یا فیلم‌نت، نوپاتر و جوان‌تر است، اما صاحب ایده است. چیزی که من تجربه کردم. ولی خب من فیلم‌ساز امروز ممکن است تحت قرارداد پلتفرم شیدا باشم و فردا پلتفرمی دیگر. به نظرم در این میان مهم است که فصل جوایزی برای شبکه نمایش خانگی وجود داشته باشد و رقابتی مدیریت‌شده با یک کمیته انضباطی هم لازم دارد. کار خیلی سخیفی که می‌بینم، این است که ربات‌هایی کامنت می‌گذارند؛ ممکن است فیلم‌ساز یا تولیدکننده اثری، چنین تقلبی بکند، ولی نمی‌دانم چرا پلتفرم باید زیر بار چنین تقلبی برود. یعنی من سریالی را برای پلتفرمی می‌سازم و سریال خوبی هم نشده، بعد پلتفرم می‌بیند که من با یک پولی زیر پست‌ها با ربات کامنت می‌گذارم. مثلا پست هنوز کاملا آپلود نشده،۴۰۰ نفر مثلا کامنت‌های مثبت می‌گذارند. روی هرکدام هم که می‌زنی، صفر فالوئینگ، مثلا دو هزار تا فالوور و مشخص است که ربات است. به نظرم حتما به یک کمیته انضباطی نیاز است. چیزهایی را که باید در این سازوکار از آن مراقبت شود با مثال فوتبالی می‌گویم که بهتر فهم شود. هرکدام از این پلتفرم‌هایی که متولد می‌شوند، حکم باشگاهی را دارند که بالاخره هرکدام از آنها یک روزی تأسیس شده‌اند. مهم این است که صاحب یک شخصیت و چشم‌انداز شوند که مخاطب بداند وقتی پلتفرم شیدا، فیلیمو یا فیلم‌نت را باز می‌کند، با چه مدل نگاهی مواجه است و بعد همه اینها بالاخره شکلی از داوری را داشته باشد که منصفانه باشد. یعنی اصلا ایرادی ندارد که فیلم‌نت جایی ببیند بهترین سریال سال را شیدا ساخته یا شیدا ببیند که بهترین سریال امسال را مثلا فیلیمو ساخته است و بازار رقابت بهتری هم ایجاد می‌کند و به نفع خودشان است. در واقع منِ فیلم‌ساز ممکن است امروز در این باشگاه یا در این پلتفرم حضور داشته باشم، فردا جای دیگری باشم. مهم این است که من محتوایی تولید کنم که در ارتباط با مخاطبش موفق باشد. به نظرم درست نیست پلتفرم اصلا پشت این آمارسازی‌ها پنهان شود؛ مهم بازخوردی است که از مخاطب می‌گیرد. می‌خواهم بگویم بازدید لزوما فاکتوری نیست که ما بخواهیم به‌عنوان یک امتیاز قرار بدهیم، اما نکته مؤثری هم هست، به شرطی که یک کمیته اخلاق و شکلی از رقابت سالم هم وجود داشته باشد.

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

کارت دانشجویی محمد سلگی فرزند شریف با کد ملی ۳۹۵۰۶۱۱۴۴۴ به شماره دانشجویی ۴۰۱۱۵۰۶۳۳ در تاریخ ۱۴۰۴/۲۰/۲مفقود شده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز پراید۱۱۱ بنزینی آبی سیر متالیک مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک: ۳۵ایران ۱۳۹س۴۷ شماره شاسی :S5430090083589 و شماره موتور: ۴۵۴۷۰۹۶ به نام زهرا سودی الوار علیا با کد ملی ۱۳۷۰۸۵۰۹۳۱ در۱۴۰۵/۷/۲۰ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

خودروی رانا پلاس سفید روغنی مدل ۱۴۰۱ به شماره پلاک ۵۹۸ط۵۳ ایران ۴۰ و شماره شاسی:NAAU01FEVNT375201 در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ سرقت شده است در صورت مشاهده با شماره ۰۹۳۶۶۲۰۷۳۰۰ تماس بگیرید.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۳۷۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمد امین گچی زاده فرزند نجف به شماره شناسنامه ۳۴۹۰۴۷۴۳۴۱ و شماره ملی ۳۴۹۰۴۷۴۳۴۱ صادره از بوشهر در قسمتی از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۰ متر مربع پلاک ۲۰۱۷ فرعی از۳۷۷۶ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۷۷۶/۱۸۲۰ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۸/۱۰

شناسه : ۲۲۹۹۲۳۵

شکراله سعادتی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

از طرف، محمد رضا عرفانیان ۵۲۷۰

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ . املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکورمستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز ورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضی واقع در قریه سنگ تجن پلاک ۲۲ اصلی بخش ۱ قشلاقی کلاسه : ۵۱۹۵ / ۱۴۰۴

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۲۶۲۹۲ پلاک ۵۳۲ فرعی آقای/خانم داود امیری فرزند مصطفی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین محصور (کاربری زراعی) به مساحت ۵۰ / ۲۹۴ مترمربع خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای/خانم طاهره رحمانی .

ضمنا اداره ارشاد توجه نماید چنانچه به علت قطع بودن اینترنت آگهی مذکور در تاریخ فوق ارسال و چاپ نگردید اداره محترم ارشاد میتواند در تاریخهای بعدی (/ / ۱۴۰۵ اولین چاپ و / / ۱۴۰۵ دومین چاپ) و همینطور تاریخ بعدی (/ / ۱۴۰۵ اولین چاپ و / / ۱۴۰۵ دومین چاپ) را انجام دهد.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز ازطریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهر ها منتشر و در روستاها علاوه برانتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شدهاعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاقدر محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذنمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیمدادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواستبه دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

م.الف. ۲۳۰۲۹۰۵

تاریخ انتشار نوبت اول : ۲۵ / ۰۷ / ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۹ / ۰۸ / ۱۴۰۵

علی اکبر مقدسی فر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر ۵۲۹۴

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی مصوب ۲۰ / ۹ / ۱۳۹۰ . املاک متقاضیانی که در هیأت موضوع ماده یک قانون مذکورمستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز ورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضی واقع در قریه نیرس پلاک ۶ اصلی بخش ۱ ییلاقی کلاسه : ۶۸۰۳ / ۱۴۰۴

رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۰۰۷۰۴۰۴۳۵ پلاک ۱۰۲ فرعی آقای/خانم داود صبوری فرزند غلامرضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۵ / ۱۶۵۸۰ مترمربع به شرط تجمیع با پلاک شماره ۴۱ فرعی از ۶ اصلی خریداری بدون واسطه / با واسطه از آقای/خانم محمد مهدی کاوه .

ضمنا اداره ارشاد توجه نماید چنانچه به علت قطع بودن اینترنت آگهی مذکور در تاریخ فوق ارسال و چاپ نگردید اداره محترم ارشاد میتواند در تاریخهای بعدی (/ / ۱۴۰۵ اولین چاپ و / / ۱۴۰۵ دومین چاپ) و همینطور تاریخ بعدی (/ / ۱۴۰۵ اولین چاپ و / / ۱۴۰۵ دومین چاپ) را انجام دهد.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز ازطریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهر ها منتشر و در روستاها علاوه برانتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شدهاعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاقدر محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذنمایند . معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیمدادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و درصورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواستبه دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

م.الف. ۲۳۰۲۸۹۴

تاریخ انتشار نوبت اول : ۲۵ / ۰۷ / ۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۹ / ۰۸ / ۱۴۰۵

علی اکبر مقدسی فر - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر ۵۲۹۵